

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ اپریل ۲۰۲۱

خود بزرگ بینی جواسیس و داستان روباه و سایه شتر!!

شنبه - ۱۴ حمل ۱۴۰۰ - کابل: شما هم مطمئناً با داستان روباهی که در سایه شتر راه می رفت و فکر می نمود که سایه مال خودش و در نتیجه چه جثه عظیمی دارد، آشنا هستید. این داستان که در اساس و عمق خود دعوتی برای تمام افراد، نهادها، گروه ها، احزاب، تجمعات و دولتهاست تا از خود بزرگ بینی پرهیز نمایند و خود را به همان اندازه که هستند بشناسند و به خصوص نیروی واقعی خود را با آنچه دیگران برایش عاریت داده اند، به اشتباه نگیرند، این که تا چه حد در سایر مسایل قابل انطباق است، باشد سر جایش؛ مگر آنچه مسلماً نباید در آن شکی نمود، توهمی بود که جواسیس تکنوکرات بدان دچار و چنان به عقده بزرگ بینی گرفتار شدند، که فراموش نمودند، هست و بود آنها تا چه رسد به دوام سلطه و قدرت شان مرهون وجود اشغالگران در افغانستان است، ورنه خود در محاسبات قدرت در افغانستان پیشیزی ارزش ندارند.

این را می دانیم که امپریالیسم غرب و شرق، در جریان سالهای جنگ سرد بین خودشان و آتش افروزی در سایر مناطق جهان، حداقل در افغانستان جهت رسیدن به سلطه دلخواه و حفظ نفوذ شان، عمدتاً از دو طریق اقدام می نمودند. یکی پرورش افراد و اشخاص به صورت فردی و مستقل از کدام نهاد و یا تشکلی، دیگری ایجاد نهاد هائی که بتوانند در موقع لازم حافظ منافع استعمار در افغانستان باشد.

بر همین مبنا دیده شد که به موازات آن که استعمارگران سوسیال امپریالیستی، از یک سو افرادی از قماش جلالر، حسن شرق و بقیه را در دامن جاسوس پرور خود جای داده بودند، تشکلاتی چون جناح های مختلف خلقی- پرچمی و ستمی و حتا بخشهایی از اسلام سیاسی را نیز در آغوش داشتند، امپریالیسم غرب هم به علاوه افراد منفرد چون "جلالی ها، خلیل زاد ها، کرزی ها، غنی احمدزی ها" و بقیه، بیشترین سرمایه گذاری شان را بعد از درهم کوبیده شدن به اصطلاح "سوسیال دموکراتها" بالای نهاد های اخوانی در تمام اشکال آن نموده بودند.

این که سیر حوادث و رفت و برگشت بین نیروهای اخوانی از این اردوگاه به آن اردوگاه و خارج شدن کنترل از دست قدرت های استعماری رقیب، سرانجام باعث گردید، تا کنفرانسی در بن برگزار گردد و از درون کنفرانس، امپریالیسم غرب در تبانی مطلق با رقیب دیرینه و تاریخی اش، خواست نهاد های وابسته به خود را کنار گذاشته، چند تن از جواسیس خود فروخته اش را در پناه ده ها هزار عسکر و توان عظیم تسلیحاتی بر افغانستان مسلط سازد، حد اقل جواسیس را به این توهم فرو برد که گویا من بعد خودشان تنها کاندید امپریالیسم جهت اداره افغانستان می باشند. از

همین رو تا توانستند کوشیدند تا با یکه تازی های مضحک حتا در برخی مواقع در مقابل باداران شان نیزابرو در هم کشند.

بی پایگی و بی مایگی جواسیس از یک جانب، در هم شکستن تباری اولی بین نیروهای اشغالگر و رقبای تاریخی آنها از طرف دیگر و در نتیجه تقویت باند های اخوانی که خود را از قدرت خلع شده احساس نموده، به نحوی امپریالیسم اشغالگر را به "ناسپاسی" از خودش متهم می ساختند، از جانب همان رقباء؛ باعث گردید تا کشور در کل برای جواسیس که با حرکت در زیر سایه امپریالیسم، آن سایه را مال خود می دانست به مجمری از آتش فروزان مبدل گردد. در نتیجه وقتی امروز امپریالیسم می خواهد خود را زنده از معرکه بیرون سازد، و ناگزیر شده است تا باز هم دست کمک به طرف باند های اخوانی دراز کند، دیده می شود که جواسیس تکنوکرات در حالی تنها گذاشته می شوند، که باند های وابسته به اسلام سیاسی در صدد نزدیکی با هم می باشند. بر همین مبناست که در اوج تنهایی و بیکی جواسیس، در حالی که یک بخش نهاد وابسته به امپریالیسم در وجود طالب، لحظه شماری می کند که چه وقت برجای جواسیس تکنوکرات تکیه زند، بخش دیگر اسلام سیاسی که تا همین اواخر، در خدمت جواسیس تکنوکرات قرار داشتند، با استفاده از ضعف جواسیس و درک این خطر که ممکن است اگر خود را خارج از اراده جواسیس حرکت ندهند، وجودشان در سازش بعدی زیر سؤال برود، به طرف یک دیگر کشانیده شده، تلاش می ورزند تا با حل اختلافات گذشته، در بین دو جناح طالب و جواسیس، جناح سوم را به وجود بیاورند. و این همان چیز است که امروز هفت تنظیم شامل "گلبدین، ربانی، دوستم، خلیلی، محقق، احدی و افندی" دور هم جمع شده، اتحاد و موضع مشترک شان را در قبال روند "ترکیه" اعلام داشتند.

هموطنان گرامی!

این که اتحاد اعلان شده تا چه مدت دوام نموده و باقی خواهد ماند و کدام یک از دو طرف اصلی یعنی طالب و جواسیس، کدام قسمت های آنها را به خود جذب خواهد نمود، امریست باز که آینده چگونگی آن را واضح خواهد ساخت. آنچه مسلم است و در تاریخ بار ها ثابت شده است این است که ما تا رسیدن به صلح راه طولانی در پیش داریم و در این مسیر، ده ها وحدت و انشعاب دیگر نیز صورت خواهد گرفت.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!